

سبقت‌گرای

# اُستادانه

همانند یک اُستاد یاد بگیرید!

## خلاصه تاریخ تمدن اسلامی فاطمه جان احمدی

فهرست مطالب

۲	بخش اول: کلیات
۱۶	بخش دوم: تمدن اسلامی
۲۶	بخش سوم: نهضت علمی در تمدن اسلامی
۳۵	بخش چهارم: نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی
۵۲	بخش پنجم: هنر در تمدن اسلامی
۶۴	بخش ششم: تاثیر تمدن اسلامی بر تمدن غرب
۷۳	بخش هفتم: ضعف و انحطاط تمدن اسلامی
۸۰	بخش هشتم: ظرفیتهای موجود در جهان اسلام
۸۵	بخش نهم: انحطاط معنوی دنیای مدرن

## بخش اول: کلیات

### ۱. تاریخ

واژه ایستوریا به معنای جستجوی هر آنچه دانستنش ارزش داشته باشد است.

کلمه history به معنای تاریخ از واژه ایستوریا گرفته شده است. واژه تاریخ به طور عام به معنی عهد، حساب، وقت و آگاهی دادن از آن، شناساندن وقت و یا ذکر و بیان غایت امری درگذشت و حال، علم به حوادث گذشته، سیر زمان و حوادث، تقویم و ... می باشد.

معانی ساده تاریخ چون روز و ماه و سال به متداول ترین اشکال توصیفی چون وقایع نزدیک شد و کلماتی چون روز شمار، دوران و حتی معنای تحت اللفظی ماه قمری همان معنای تاریخ را یافت.

در عربی، تاریخ به معنای خبر است و متضمن قصه و حکایت بوده و مرزبندی زمانی ندارد.

برخی محققان واژه تاریخ را فارسی یا از اهل کتاب می دانند.

تاریخ در اصطلاح به معنای آشکار کردن احوال انبیاء، امامان، فرمانروایان، وزرا و خلفا و حوادث بزرگ مانند جنگ ها و فتوحات بر حسب زمان است.

برخی محققان نیز تعریف اصطلاحی تاریخ را در دو حوزه «علم حوادث گذشته بشری» و «علم قوانین این حوادث» خالصه کرده اند.

پاره ای از صاحب نظران نیز تاریخ را بازتاب درگیری ها، تضادها و مبارزات جوامع مختلف بشری با یکدیگر می دانند و گاه در تعریف کلی تر، تاریخ را بسان نواری دانسته اند که همه درگیری ها، صلح ها، حوادث و دیگر مسائل جوامع روی آن ضبط شده است.

ابن خلدون در تعریف اصطلاحی تاریخ می نویسد:

تاریخ، اندیشه و تحقیق درباره رخدادها و مبادی آنها و کندوکاوی دقیق برای یافتن علت آنهاست. تاریخ علمی است درباره چگونگی وقایع، موجبات و علل واقعی آنها. به همین دلیل تاریخ از حکمت سرچشمه می گیرد و سزاوار است تا از دانش های آن محسوب شود.

وی در ادامه می افزاید؛

حقیقت تاریخ خبر دادن از اجتماع انسانی، یعنی اجتماع جهان و کیفیاتی است که بر طبیعت این اجتماع عارض است.

امام خمینی (ره) در تعریف تاریخ آورده است:

بدان که بسیاری از علوم است که بر تقدیری، داخل یکی از اقسام ثالثه است مثل علم تاریخ و امثال آن.

و در صورتی که با نظر عبرت به تاریخ نگاه کنیم، علم به الله و معاد حاصل می شود.

سودمندی تاریخ



فایده های مطالعه تاریخ افزون بر درک درست وقایع، به کاربردی کردن علم تاریخ می انجامد.

مهمترین سودمندی تاریخ محض و یا حتی تاریخ تمدن، عبرت آموزی، تامل در احوال گذشتگان ، آشنایی با عقاید و ادیان پیشینیان و همچنین شناخت دردها، آمال و تجارب آنهاست.

در سودمندی تاریخ ، مورخ نکته سنج مصری می گوید:

تاریخ اگر جز تذکار همین نکته که «دنیا بقایی ندارد و در آن هیچ چیز چنان که هست نمی ماند»، فایده دیگری نداشت، همین فایده برای آن بسنده بود.

گوته بر سودمندی تاریخ صَحّه می نهد:

اگر تاریخ مورد حاجت هست ، برای کمک به زندگی و عمل است نه برای آنکه انسان را از زندگی و عمل بازدارد.

فردریش ویلهلم نیچه در سودمندی و ناسودمندی تاریخ می نویسد:

نشاط، وجدان آسوده، اقدام بی دغدغه خاطر و ایمان به آینده، همه اینها - چه در مورد فرد و چه در مورد ملت - بستگی به آن دارد که خط ممیزه ای بین آنچه آشکار و پدیدار است با آنچه تیره و نادیدنی

است وجود داشته باشد ؛ وابسته به آن است که شخص بتواند به هنگام، فراموش کند و به هنگام به یاد بیاورد و با احساس قوی غریزی وقتی ضرورت تجربه تاریخی یا غیر تاریخی وجود دارد، مشاهده کند.

فردریش ویلهلم نیچه می افزاید:

تاریخ بیش از همه به انسانِ فعال و قوی متعلق است ؛ به آنکه درگیر نبردی عظیم است و به اسوه ها، آموزگاران و تشفی بخشان نیاز دارد.

## ۲. تمدن

تعریف واژگانی تمدن

اصلی ترین معنای تمدن، شهرنشینی و اقامت در شهر است.

ومعادل واژه شهرآیینی و به معنای حسن معاشرت است.

واژه تمدن از کلمه لاتین *civilis* که برگرفته از *civis* یا *civitalis* یعنی شارمند می باشد، مشتق شده است.

درفرنگ های لغت، زندگی متمدن در برابر زندگی بربرهای وحشی که فاقد زندگی شهرنشینی اند به کار برده می شود.

کلمه تمدن در عربی معادل واژه الحضاره، به معنای اقامت در شهر است و از ریشه حَضَرَ به معنای شهر ، قریه و روستاست و در مقابل بدویت و بادیه نشینی قرار دارد.



معنی تمدن نزد ادیبان و فرهنگ نامه نویسان ، تربیت و ادب است.

معنای اصطلاحی تمدن

معنی اصطلاحی تمدن ، اجتماع انسان و تعاون و مشارکت آنها در بدست آوردن نیازهایشان است.

تعریف اصطلاحی تمدن:

جامعه پذیری و نظم پذیری یا برقراری نظم اجتماعی برای همکاری و تعاون میان انسان ها و زمینه ای برای مقبولیت یک فرهنگ. از این منظر، تمدن، زندگی کردن با یکدیگر همراه با نظم معنا می شود که بر اثر آن خالقیت فرهنگی امکان پذیر می شود.

شکل گیری تمدن

انسان از ابتدایی ترین شکل اجتماع ، یعنی چادر نشینی، بیابان گردی و صحرا نوردی که به نظر ابن خلدون اصل و گاهواره اجتماع و تمدن است ، زندگی کرده است.

نخستین کانون اجتماع تمدنی با ایجاد شهر بنیان شد و انسان به درجات بالایی از کمال طلبی، قانون شناسی و آداب پذیری اجتماعی نایل آمد.

تمدن را می توان محصول تلاش جمعی بشر دانست. و افراد جامعه جملگی حاملان آن به شمار می آیند.

نخستین مرحله اجتماع کامل ، زندگی مدنی است.

آرنولد توین بی ، تمدن را مترادف با حالتی می داند که در آن معدودی از افراد تنها در تولید غذا شرکت ندارند بلکه در امور اقتصادی دیگر چون صنعت و تجارت نیز دخیل اند.

متخصصان غیر اقتصادی، روحانیان ، نظامیان حرفه ای و مدیران در شمار این گروهند و در آفرینش آثار غیر اقتصادی توانمندند و به

نوعی عامل ایجاد ساختمان تمدن نیز به شمار می آیند.

عالی ترین شکل حیات جمعی با تقسیم کار جدی پدید می آید و تمدن شکل می گیرد.

در واقع آنچه بر روند توسعه تمدنی موثر خواهد بود ، نظم اجتماعی به همراه نوآوری است.

از نظر توین بی ، عناصر مهم تشکیل تمدن بشری در درجه نخست ، علم و سپس قدرت و توانایی برای اجرای علم است.

در نتیجه امنیت و رونق اقتصادی ، زمینه کنجکاوی ، ابداع و اختراع فراهم خواهد آمد.

